



اشاره: ماجرای «برجام» از آن نقاط چالش‌برانگیز مقابله تاریخی امت اسلام به نمایندگی ملت ایران با نظام سلطه جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ، آمریکای جهانخواار است که شاید تا سال‌های سال عمق آن دریافت‌ه نشود. نقطه‌ای که شاید از طریق آن، خیانت‌های آمریکا و اعوان و انصارش در حق ملت‌ها، بیش از موارد مشابه عیان شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب با ایشان، ضمن اشاره به «بیان خیانت‌های آمریکایی‌ها در قضیه برجام» فرمودند: «علاوه بر سیاسیون، هنرمندان و به ویژه شاعران باید این واقعیت‌ها را به افکار عمومی منتقل کنند».

بخشی از واقعبات مورد اشاره بسیار آشکار و عیان است و بخشی پنهان که نیاز به واکاوی و بررسی دقیق دارد. خصوصاً خود آمریکایی‌ها برای زمینه‌سازی افکار عمومی مثل همیشه از هنرهای مختلف، به خصوص سینما و فیلم بیشترین بهره را برده‌اند.

تصویر روز

پس از مذاکرات فشرده هسته‌ای بین نمایندگان ایران و گروه موسوم به ۵+۱ در طول سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و بعد از توافقنامه لوزان در ۲۴ فروردین ۱۳۹۴، هنگامی که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ با توافقنامه موسوم به «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) جزئیات توافق هسته‌ای ایران و غرب روشن شد، برخی از تماشاگران حرفه‌ای سریال‌های تلویزیونی به یاد فصل هشتم و آخر سریالی به نام «۲۴» افتادند. سریالی که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ از شبکه تلویزیونی فاکس پخش می‌شد. سریالی که ابتدا به صورت غیرقانونی جای خود را در میان مخاطبان ایرانی یافت و از سال ۱۳۸۹ با دوبله فارسی و از طریق یکی از موسسات رسانه خانگی به طور رسمی توزیع و پخش شد. سریالی که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار مسئله مبارزه ضد تروریستی را به عنوان موضوع اصلی یک مجموعه تلویزیونی در کادر دوربین خود قرار داد. ماجرای ماموری به نام «چک باتر» (با بازی کيفر ساترلند) که در واحد ضد تروریستی CTU هر روز با یک ماجرای تروریستی (مهمچون سوهفصد به جان رئیس‌جمهور، حملات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی، حملات سایبری و ختنی کردن توطئه‌های شرکت‌های بزرگ) مواجه شده و تلاش می‌کند تا توطئه یاد شده را خنثی نماید. ساختار سریال به گونه‌ای بود که هر یک از این روزها (۲۴ ساعت) یک فصل این سریال را در ۲۴ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای تشکیل می‌داد. سریال پربیننده‌ای که ۶۸ بار نامزد دریافت جایزه تلویزیونی معتبر ایپی گردید و ۲۰ بار آن را برنده شد، ۱۲ بار کاندیدای دریافت گلدن گلوب بود که دوبار آن را دریافت نمود (کیفر ساترلند تنها برای بازی در ۱۰ قسمت اول فصل اول، گلدن گلوب دریافت کرد) و در سال ۲۰۰۵ انجمن فیلم آمریکا، آن را جزو ۱۰ برنامه تلویزیونی برتر سال قرار داد. فصل اول سریال رکورد فروش DVD را در بریتانیا شکست و حتی رکورد فیلم سینمایی ارباب حلقه‌ها را نیز پشت سر گذارد. این سریال در نظرخواهی کاربران وب سایت IMDB رمره ۸/۷ از ۱۰ و از نظر کاربران وب سایت TV.com امتیاز ۹ از ۱۰ را دریافت کرد.

اما فصل هشتم سریال «۲۴» که در واقع آخرین فصل آن بود، از ۱۷

ژانویه سال ۲۰۱۰ تا ۲۴ ماه مه همین سال (۲۸ دی ماه ۱۳۸۸ تا ۴ خرداد ۱۳۸۹)، در ساعت ۲۱ هر دوشنبه شب از شبکه فاکس روی آنتن رفت. ماجرای فصل هشتم درباره مذاکرات هسته‌ای رئیس‌جمهوری کشور جمهوری اسلامی کامیستان به نام «حسن» با رئیس‌جمهوری آمریکا به نام «تیلور» در نیویورک بود. این در حالی بود که مخالفان این مذاکرات در کامیستان توطئه قتل حسن را برای متوقف نمودن مذاکرات طراحی کرده بودند و در اینجا بود که چک باتر وارد میدان شد.

در همان زمان (اواخر سال ۱۳۸۸ و اوایل سال ۱۳۸۹) با توجه به نشانه‌های انکارناپذیر موجود در فیلم (مانند مذاکرات هسته ای، مسئله غنی‌سازی، تحریم‌ها، عنوان جمهوری اسلامی برای کشور کامیستان و حضور آن در خاورمیانه)، ایران و مذاکرات هسته‌ای ایش با غرب به ادان متبادر شد. مذاکراتی که در آن زمان از سوی سعید جلیلی به نمایندگی از سوی ایران با گروه ۵+۱ به ریاست کاترین اشتون انجام می‌شد ولی به دلیل مقاومت جمهوری اسلامی درمقابل خواسته‌های نامشروع غرب، توافقی در چشم انداز آن رویت نمی‌شد. در واقع آنچه فصل ۸ از سریال «۲۴» از وضعیت مذاکرات هسته‌ای با ایران نشان داده می‌شد، در آن زمان بسیار دور از واقعیت می‌نمایاند. اما وقتی توافق هسته‌ای تحت عنوان برجام در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ انجام شد، تقریباً همه آنچه ۵ سال قبل در فصل هشتم از سریال «۲۴» نشان داده شده بود (تیم جریزات توافق هسته‌ای مانند تعداد سانتریفیوژها به صورت واقع گرفت. برای دریافت این موضوع به بخشی از دیالوگ‌های آن بخش توجه بفرمایید:

«گزارشگر تلویزیون: اینجا در سازمان ملل لحظاتی پیش ششگویی کاخ سفید تأکید کرد که روسای جمهور «تیلور» و «حسن» یک کنفرانس خبری مشترک برگزار خواهند کرد. انتظار می‌رود که رئیس‌جمهور حسن، لغو برنامه تولید سلاح هسته‌ای از سوی کشورش را اعلام کند. رئیس‌جمهور حسن اعلام کرده است که ایشان این قرارداد را یک موفقیت تاریخی و شروعی تازه برای کشورش و همچنین کل منطقه خاورمیانه می‌دانند.

(صحنه مذاکرات هسته‌ای در حالی که در یک سوی میز رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و همراهانش نشسته و در سویی دیگر رئیس‌جمهوری اسلامی کامیستان به نام حسن و برادرش فرهاد که گویا نسبت به او، تندروتر است)

تیلور: حالا آقای رئیس‌جمهوری، بریم سراغ مسئله بازرسی‌ها. بیان شما در آخرین پیشنهادتون مهمم است.

حسن: اجازه بدهید صریح صحبت کنم، کشور من می‌پذیره که به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نباشه، با نظارت کامل دیده‌بان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

تیلیوز: ولی جناب رئیس‌جمهور، شرایط ما این بود که بازرس‌ها

....

حسن: خانم رئیس‌جمهوری، اگر پاسداران انقلاب ما در خاک شما پایگاه داشته باشن، کنگره شما چی بهتون می‌گه؟ مجلس ملی من هم همون را میگه. حتی اگر من با این موضوع موافقت کنم، اون‌ا تصویبش نمی‌کنن. بالاخره من که پادشاه نیستم.

....

(صحنه بعد، تیلور مشغول مشورت با معاونش در اتاق مجاور است) تیلور: یه جویری چیزی که می‌خواد بهیش بدده...

معاون: خانم رئیس‌جمهوری...

تیلور: شنیدیی چی گفتم، مسئله بازرسی‌ها را حل کن. (به رئیس‌جمهوری حسی که در اتاق مجاور است نگاه می‌کند) این مرد رهبریه که در هر دوران یک بار گیر میاد و همین الانش هم حمایتش را از سازمان‌های تروریستی قطع کرده و بطور خصوصی هم داره از راه حل ایجاد دو کشور (در فلسطین اشغالی) دفاع می‌کنه. چقدر دیگه می‌تونیم ازش انتظار داشته باشیم که خودش را به خطر بیندازه؟

.....

(در اتاق دیگر، رئیس‌جمهوری حسن با برادرش فرهاد مشورت می‌کند)

فرهاد: من همین الان داشتم با «کینن»، وزیر امور خارجه آمریکا

صحبت می‌کردم. اون شرایط مارو پذیرفته است.

حسن: خیر خوبیه.

فرهاد: ولی یه شرطی هم هست. اون‌ها اصرار دارن رئیس هیئت

بازرسی آژانس، یک آمریکایی باشه.

حسن: من که فکر می‌کنم بتونم قبول کنم، تو چی؟

فرهاد: تو که می‌دونی من چی فکر می‌کنم، تا حالا هم به اسم صلح

توی خیلی چیزها تسلیم شدیم.

حسن: خیلی داری دیگه تند میری، تسلیم کلمه درشتیه فرهاد.

واقعاً غیزاز جاه‌طلبی‌های هسته‌ای‌مون توی چه چیزی تسلیم شدیم؟

فرهاد: همین کافی نیست؟ تفکیک کردن شش

هزار سانتریفیوژ از یکدیگر.

حسن: چرخوندن ۶۰۰۰ سانتریفیوژ برای مانور

سیاسی خوبه، ولی داره باعث می‌شه کشورمون

ورشکست بشه! حقیقت اینه که این ما نیستم

که داریم بخشندگی می‌کنیم، رئیس‌جمهور تیلور

تحریم‌های اقتصادی رو برداشته و پیشنهاد یه بسته

حمایتی به ارزش میلیاردها دلار داده. هر چیزی

می‌خواستیم گیرمون اومده، فرهاد.

فرهاد: تا زمانی که این یه کلک نباشه.

اگر در زمان نمایش فصل هشتم از سریال تلویزیونی «۲۴»، چنین صحنه‌ها و کاراکترها و

دیالوگ‌هایی غریب به نظر می‌آمد و بیشتر به مثابه

آرژوها و آمال و خواسته‌های آرمانی ایالات متحده

فرض می‌شد، اما امروز کاملاً واقعی و ملموس به نظر

می‌رسد. یعنی آنچه در سال ۲۰۱۰ در یک سریال

تلویزیونی به صورت تصویری گنگ و غیرواقعی و

رویایی برای آمریکایی‌ها، نمایش داده شده بود، ۵

سال بعد به تحقق پیوست و عملی شد.

مذاکرات درددوری هسته‌ای با ایالات متحده آمریکا

(نه حتی در قالب ۵+۱)، بازرسی‌های سرزده، کاهش

سانتریفیوژها در حد کمتر از ۶۰۰۰ تگرانی از عدم

تصویب مجلس و ... موضوعاتی بودند که در سال

۲۰۱۰ و در مذاکرات سعید جلیلی و کاترین اشتون

به هیچ‌وجه قابل تصور نبود.

البته فصل نهایی سریال «۲۴» تنها فیلم و سریالی نبود که به موضوع مذاکرات هسته‌ای با ایران پرداخت و پیش از انجام توافق،

ایساد مختلف آن را باز کرده و یا در اذهان عمومی زمینه‌چینی نمود.

بی‌مناسبت نیست به برخی دیگر از فیلم‌ها و سریال‌هایی که موضوع

فوق را در قاب دوربین خود قرار دادند، نگاهی داشته باشیم:

فیلم اورشلیم: شمارش معکوس (Jerusalem Countdown)

فیلمی آخرآزمایی درباره پیش‌بینی‌های مسیحیان صهیونیست از حمله متحد روسیه به کشورهای اسلامی به اسرائیل براساس کتاب جان هاگ (کشیش اوانجلیست آمریکایی) و ساخته هارولد کرانک که در ۲۶ اوت ۲۰۱۱ (۵شهریور ۱۳۹۰) اکران شد.

در این فیلم ضد ایرانی و ضد اسلامی که گویا گروهی از مسلمانان

در آستانه سالگرد توافقنامه هسته‌ای (برجام)

فیلم‌هایی که «برجام» را لو داده بودند!

■ سعید مستغاثی



از ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳ یعنی حدود ۳ ماه پیش از توافق یاد شده آغاز گشته بود. در واقع ۳ ماه پیش از روشن شدن نخستین نتایج مذاکرات هسته‌ای در ژنو (به عنوان توافق موقت)، این نتایج در یک سریال تلویزیونی مشخص شده بود!

سریال خانم وزیر (Madam Secretary)

سریالی سیاسی درباره زندگی شخصی و سیاسی وزیر امور خارجه

آمریکا به نام الیزابت مک کورد (با بازی تا تلونی) که که از یک تحلیل

گر بلند پایه سازمان CIA به وزارت امور خارجه رسید. پخش این سریال

از ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ (۳۱ شهریور ۱۳۹۳) از شبکه CBS آمریکا آغاز

شده و اینک فصل سوم آن در حال نمایش است.

سریال با سکاسی آغاز می‌شد که همزمان با

آوای اذان از مسجدی در دمشق، دو نوجوان وپلاگ

نویس آمریکایی توسط سرویس اطلاعاتی سوریه

رسمده می‌شدند. در طول فصل اول این سریال

سخن از مذاکرات هسته‌ای و صلح با ایران و سفر

رئیس‌جمهوری آن به نام رئیس‌جمهور «شیراز» به

آمریکاست که بزرگترین مذاکرات صلح هسته‌ای

تاریخ خوانده می‌شود و اینس مذاکرات با ماجرای

آزاد شدن دو نوجوان آمریکایی همراه می‌شود. در

قسمت‌های ۱۵ و ۱۶ از همین فصل، خانم وزیر به

ایران سفر کرده و این کشور را در خنثی کردن توطئه

یک کودتا یاری می‌رساند.

سریال رسوایی (Scandal)

مجموعه‌ای که توسط شبکه ABC ۵ از آوریل

۲۰۱۲ پخش شده و آخرین فصل آن یعنی فصل

پنجم تا ۱۲ ماه مه سال جاری (۲۳ اردیبهشت

۱۳۹۵) در حال پخش بوده است. یک ترلر سیاسی

درباره مدیریت بحران رسوایی‌های سیاسی با

محوریت کاراکتری به نام الیویا پاپ به عنوان مدیر

روابط عمومی ریاست‌جمهوری آمریکا با بازی کری

واشینگتن که از شخصیت حقیقی جودی اسمیت

گرفته شده است.

اما قسمت هشتم از همین فصل ۵ که با نام

«راسپوینت» (کشیش فاسد دوران تزارهای روسیه) در تاریخ ۱۲

نوامبر ۲۰۱۵ (۲۲ آبان ۱۳۹۴) از شبکه ABC پخش شد (حدود ۲ ماه

پس از توافق برجام). به مذاکرات تاریخی میان آمریکا و کشوری به

نام جمهوری «بندار» بر سر برنامه هسته‌ای آن و البته عدم صداقت و

پایبندی بندار به توافق هسته‌ای پرداخت.

اپیزود هشتم فصل پنجم سریال «سوایی» با این جملات خبرنگار

«ای‌بی‌سی» نیز آغاز می‌شد:

«پس از سال‌ها شروع غلط و دیپلماسی شکست‌خورده، حالا دو

کشور آمریکا و جمهوری بندار» اکنون غیرممکن را به ممکن بدل

کرده‌اند و در آستانه امضای توافق خلع سلاح هستند».

در خلال گفتن این جملات، دو تن از مقامات کاخ سفید شامل یک

مرد مسن و یک خانم جوان بر سر انجام این توافق در حال شهربندی



به خاطر گفتگوهای صلح با ایران

سریال خانم وزیر

کلامی بودند و زن، جمله معناداری گفت:

«اعتماد کن اما با چشم باز. ما با چشم باز به سمت آنها رفتیم».

در این لحظه خبرنگار «ای‌بی‌سی» این‌گونه ابراز داشت:

«این توافق تاریخی، در عوض توقف برنامه هسته‌ای جمهوری بندار

دهه‌های تحریم این کشور خاورمیانه‌ای را پایان خواهد داد».

ناگهان همان پیرمرد افزود:

«ما من به آنها اعتماد ندارم»

«در این صورت پزیدنت «فیتز گرانته» رئیس‌جمهور آمریکا و

پزیدنت «زانی» رئیس‌جمهور بندار (که با لباس روحانیون ایرانی و

عمله سفید دیده می‌شود) صاحب بزرگ‌ترین امضای تاریخ صلح پس

از فروپاشی دیوار برلین خواهند بود».

(صحنه میز مذاکرات که کم نیست آن رئیس‌جمهوری آمریکا،

گرانته و دستیارانش نشسته و طرف دیگر زرانی، رئیس‌جمهوری بندار

و اعضای گروه مذاکره‌کننده‌اش)

گرانته (رئیس‌جمهوری آمریکا): آمریکا هیچ مشکلی با فعالیت

صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری بندار ندارد اما می‌خواهیم به ما اطمینان

دهید که «بندار» تحت هیچ شرایطی به طرف ترویسیم و دستیابی به

ایران بوده و آن را منجر به ساخت بمب اتمی می‌دانند درحالی‌که

رئیس‌جمهوری «ساتر» به سختی با این تفکر مخالف است و می‌گوید

برای جلوگیری از جنگ باید راه مذاکرات را در پیش گرفت.

واکر و عواملش، رئیس‌جمهوری و اطرافیانش را به گروگان گرفته

و کاخ سفید را اشغال می‌کنند و موشک‌هایی را که به سمت ایران و

شهرهایی همچون چاه‌نهار، اصفهان، تهران، شیراز و تبریز نشانه‌گیری

شده را برای پرتاب آماده می‌سازند. اما در این میان یک مامور سابق

تیم حفاظت رئیس‌جمهوری به نام جان کیل (با بازی چاتینگ ناتوم) که

دخترش در میان گروگان‌هاست به تنهایی به میدان آمده و گروگانگیرها



هدف‌گیری انجام شد

سقوط کاخ سفید

را شکست داده و رئیس‌جمهوری و سایرین را آزاد می‌کند. در پایان گفته می‌شود که توافق هسته‌ای مابین ایران و آمریکا و فرانسه و اسرائیل و ... منعقد شده است.

واقع آنچه پس از انتخابات دور یازدهم ریاست‌جمهوری در زمینه مذاکرات هسته‌ای و سیاست‌های ایالات متحده نمود پیدا کرد (آنچه

پیش از این انتخابات چندان مسبوق به سابقه نبود) در فیلمی مانند

«سقوط کاخ سفید» خود را به وضوح نشان داد. مثلاً از نکات قابل

تامل این فیلم، تماس تلفنی رئیس‌جمهوری آمریکا با رئیس‌جمهوری

ایران است که تا آن زمان سابقه نداشت ولی دو ماه و نیم بعد از نمایش

در فیلم «سقوط کاخ سفید» و در جریان مجمع عمومی سازمان ملل

اتفاق افتاد!



اورشلیم: شمارش معکوس

ایرانی موسوم به گروه «هفت شگفت‌انگیز» قرار است با بمب‌گذاری اتمی در خاک آمریکا، این کشور را نابود سازند، ناگهان بحث مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ پیش می‌آید و در این میان آمریکا و اسرائیل خواهند صلح و موفقیت مذاکرات هستند. در همین اثنا گفته می‌شود که نیروهای ایران و روس ۷ بمب اتمی به آمریکا آورده‌اند.

فیلم سقوط کاخ سفید (White house Down)

این ترلیر سیاسی برای اولین بار در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۳ (۶ تیرماه

۱۳۹۲) به نمایش عمومی درآمد. فیلمی ساخته رولند امیرش، فیلمساز

تبلیغاتی آمریکایی که آثاری مانند «روز استقلال»، «روز پس از فردا»،

«۲۰۱۲»، «۱۰۰۰ سال پیش از میلاد» و ... را در کارنامه خود دارد.

پس از فصل هشتم سریال «۲۴» که در سال ۲۰۱۰ نسبت به

متوقف کردن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی کامیستان (ایران) از

سوی ایالات متحده آمریکا، ابراز امیدواری شده بود، در فیلم «سقوط

کاخ سفید» (که حدود دو هفته پس از انتخابات دوره یازدهم ریاست

جمهوری اسلامی ایران به نمایش عمومی درآمد و البته تولید آن ماه‌ها

پیش‌صورت گرفته بود) برای نخستین بار، برنامه هسته‌ای ایران از سوی

رئیس‌جمهوری سیدیه بوبست آمریکا به نام جیمز ساتر (با بازی جیمی

فاکس) صلح‌آمیز معرفی شده و تلاش می‌شد تا مذاکرات صلح برای

انجام توافقی با ایران ادامه یابد. رئیس‌جمهوری ایران در فیلم «سقوط

کاخ سفید» که الشریف نام دارد، طرف ایرانی مذاکرات را تشکیل

می‌دهد. اما گروهی درون کاخ سفید به سرکردگی مارتین واکر (جیمز

وود)، رئیس تیم محافظت رئیس‌جمهوری، مخالف برنامه هسته‌ای